

جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری

جعفر کوشا*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

پیمان نمایان

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۴/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۷/۲۲)

چکیده:

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرا روی جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل کیفری گسترش روزافزون عملیات و اقدامات تروریستی است که تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. این پدیده هولناک در اشکال سازمان یافته و معمولاً فراملی رخ می‌دهد. خطرات ناشی از تروریسم بیش از جرایم انفرادی بوده و مقابله ثمر بخش با آن بدون تنظیم زیربنای بین‌المللی قانونمند و پرهیز از سیاست «استانداردهای دوگانه» غیر قابل تصور است.

واژگان کلیدی:

حقوق بین‌الملل کیفری- تروریسم بین‌المللی- صلح و امنیت بین‌المللی- شورای امنیت- کنوانسیون‌های ضد تروریسم.

۱- مقدمه

از پدیده‌های مهم و بحث برانگیز بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی در دهه نخست سده ۲۱ و یکی از اساسی‌ترین معضلات و چالش‌های جامعه جهانی و خطرناک‌ترین تهدید علیه حقوق ملت‌ها و ثبات بین‌الملل بوده، مسأله «تروریسم» است. (کرم‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۲/۳۳؛ صادقی حقیقی، ۱۳۸۳: ۳۰/ ۲۰۶-۲۰۵).

در عصر ما، تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی مبدل گشته و هراس آن وجود دارد که با گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. در عصر جهانی شدن و فناوری پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی و منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند، اما هرگز در قید و بند‌های بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از این رو هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی‌مانند. گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های گوناگون دست به عملیات تروریستی می‌زنند و نگرانی از احتمال وقوع این‌گونه عملیات زمانی بیشتر می‌شود که تروریست‌ها از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی استفاده کنند. (Alexander, 2001: 3; Robert & Heyer, 2001). هر چند این تهدیدات در حال حاضر به صورت بالفعل صلح و امنیت بین‌المللی را تخریب می‌نماید، باید اذعان کرد که سایر تروریسم تهدیدی بالقوه علیه جامعه بین‌المللی بوده که روش نوین اقدامات تروریستی است نه نوع دیگر تروریسم (Stark, 1999: 9)؛ چنانکه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ با صدور قطعنامه‌ای آن را مورد عنایت قرار داد. (U.N.G.A/Resolution/50/53, Measures to Eliminate International Terrorism, 11 Dec, 1995). همچنین نگرانی شدید جامعه جهانی از گسترش تروریسم و دستیابی تروریسم به تسلیحات هسته‌ای منجر شد که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور، قطعنامه ۱۵۴۰ را در خصوص عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ به تصویب رساند. با وجود این، دولت‌ها و سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم کنوانسیون‌های متعدد را به تصویب رسانده‌اند، اما حق این است که به موازات پیشرفت تروریست‌ها و تبدیل آنان به بازیگران بین‌المللی و فعالیت در قالب سازمان‌ها و مجموعه‌های هماهنگ، جامعه بین‌الملل باید اقدامات ضد تروریستی موثر را توسعه دهد و تجلیات هر چند پیچیده‌تر و جهانی تهدیدات تروریستی را مورد توجه قرار دهند (قربان‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۴۲/۴۳؛ رکی، ۱۹۹۹: ۴۶-۴۹).

۲- پیشینه

قدیمی‌ترین اصل بین‌المللی برای برخورد با تروریسم، «استرداد یا محاکمه» بوده که توسط «هوگو گروسیوس»، در کتاب «جنگ و صلح» تشریح و متعاقباً به طور نسبی در هر معاهده یا

قرار داد بین‌المللی مربوط به برخورد با تروریسم بین کشورها درج شده است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۷۹: ۱۱۶۷/۴).

جامعه بین‌المللی پس از سال‌ها مشاهده اقدامات تروریستی بالاخره در ۱۶ نوامبر ۱۹۲۷ معاهده‌ای را تهیه کرد که البته هیچ‌گاه لازم‌الاجرا نشد. در خلال دهه ۱۹۳۰ شش کنفرانس در اروپا توسط دفتر تدوین حقوق کیفری (BUCL) برگزار شد که سه کنفرانس بر تروریسم تمرکز داشت و در اجلاس‌های مزبور، تروریسم به عنوان تهدیدی نسبت به امنیت دسته جمعی تلقی گردید (بشیری، ۱۳۸۲: ۳۱/۴).

در دهم دسامبر ۱۹۳۴، شورای جامعه ملل به اتفاق آراء، طی صدور قطعنامه‌ای مقرر کرد «وظیفه هر کشور این است که نه تشویق و نه اجازه دهد که در سرزمینش هرگونه فعالیت تروریستی با هدف سیاسی صورت پذیرد». همچنین تأکید شده بود که دولت‌ها می‌بایست تمام قدرت خویش را در جهت جلوگیری و منع این چنین اقداماتی بکار گیرند و در این رابطه به سایر کشورها مساعدت نمایند (Castle, 1997:1919-12). پس از ترور پادشاه یوگسلاوی، جامعه ملل کمیته‌ای را برای تحقیق در زمینه تروریسم ایجاد کرد و نتیجه کار کمیته مزبور به صورت کنوانسیون تحت عنوان «معاهده منع و مجازات تروریسم» در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷ قبل از جنگ جهانی دوم و در زمان حاکمیت جامعه ملل سابق در آمد (Thomas Bert, 1974:68/69-70; Perera, 1997:22). این کنوانسیون ماحصل هشدار موجود در قطعنامه صادره از سوی جامعه ملل در رابطه با اقدامات تروریستی صورت گرفته نسبت به پادشاهان، روسای جمهور، وزراء، مقامات عمومی بسیاری بود که نشانگر خلاء حقوقی موجود برای مبارزه با تروریسم بود (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۷۶/۳۹؛ عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۰). اما این کنوانسیون، اگرچه هیچ‌گاه جنبه عملی به خود نگرفت، اما پایه‌گذار مفاهیمی در قلمرو تروریسم شد که تا کنون در حقوق بین‌الملل کیفری حفظ شده است (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۶۹/۲-۱۶۷).

جنگ جهانی دوم کلیه تلاش‌های گذشته را بی اثر ساخت؛ تا اینکه پس از تأسیس سازمان ملل متحد، مباحث تحت نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل از سر گرفته شد. کمیسیون بیانیه‌ای در خصوص حقوق و وظایف دولت‌ها تهیه و وظیفه‌ای را برای کشورها در قبال این اقدامات مقرر کرد. عملکرد کمیسیون در سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۵ در مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ۱۱۸۶ که مربوط به «تجاوز» و «تروریسم» می‌شد، ثمر داد. مجمع عمومی مخالفت خود را مجدداً در رابطه با تروریسم در سال ۱۹۷۰ در قطعنامه ۲۶۲۵ ابراز داشت. در دوم نوامبر ۱۹۷۲ طی صدور قطعنامه ۳۰۳۴ تحقیق و بررسی پیرامون تروریسم ضروری دانسته شد. به همین جهت برای شناسایی تخصصی عوامل بنیادین و اصلی شکل‌گیری تروریسم «کمیته ویژه سازمان ملل متحد در خصوص تروریسم» (UN speciut Committee on International Terrorism)

که متشکل از سه کمیته «تعریف تروریسم»، «بررسی موجبات» و «طرح تدابیری برای جلوگیری از تروریسم» ایجاد شد (سیمبر، ۱۳۸۰: ۷۲/۲۱ - ۷۱: ۳۸، Hotfman, 1998: 38). با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده از سوی این کمیته، مجمع عمومی سازمان ملل متحد مکرراً از کشورها و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل خواست تا برای از میان برداشتن تدریجی ریشه‌های تروریسم اقدام نمایند و تمامی توجهات، معطوف زمینه‌ها و بسترهای رشد و توسعه تروریسم شود (همان: ۷۲).

از دهه ۹۰، با فروپاشی نظام کمونیستی و از بین رفتن یکی از دو ابر قدرت، این بار تروریسم به گونه‌ای دیگر از سوی کشورهای کوچک مورد استفاده قرار گرفت. به علاوه، این گسترش، از حیث تعداد، پراکندگی، ابعاد، شیوه‌ها، بکارگیری وسایل نوین و شدت آثار و نتایج آن نیز قابل ملاحظه بود. این موضوع موجب شد تا مجدداً تروریسم به نحوی شدیدتر مورد اهتمام مجامع بین‌المللی قرار گیرد. در مقابل عقیم ماندن فعالیت جامعه ملل در مبارزه با تروریسم، اقدامات سازمان ملل متحد در این خصوص بسیار چشمگیرتر می‌باشد، چرا که رسالت اصلی این سازمان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است (رک: عبداللهی، ۱۳۸۱: ۳/۲۱-۱۷).

۳- تروریسم ناقض صلح و امنیت بین‌المللی

۳-۱- حق صلح در پرتو حقوق بین‌الملل

با عنایت به تلاش‌های انجام گرفته جهت توسعه حقوق راجع به صلح، موضوع حق صلح یک امر بدیعی نیست؛ چرا که حقوق بین‌الملل اصولاً (به استثنای برخی از شاخه‌هایش) حقوق صلح می‌باشد، بدین معنی که مقررات مربوط به همکاری صلح آینده کشورها را تنظیم می‌کند. هرچند این موضوع یک واقعیت انکار ناپذیر بوده، اما این امر به تنهایی نمی‌تواند شرط کافی برای حق صلح باشد؛ زیرا اساساً حقوق بین‌الملل هیچ‌گونه ممنوعیتی را در خصوص استفاده مستقیم از زور در کشورها تحمیل نکرده و همچنین مفاهیم صلح منفی و مثبت^۱ را منعکس نمی‌کند (توحیدی، ۱۳۸۰: ۶۰).

۱. به تبع خود مفهوم صلح، حق صلح نیز به حق صلح منفی و مثبت تقسیم می‌شود. مفهوم «حق صلح منفی» هم از لحاظ عملی و هم از جنبه تئوری می‌تواند مشخص شود. جنبه عملی حق صلح بطور کلی فعالیت‌های حفظ صلح و خلع سلاح را شامل می‌شود، در حالی که جنبه تئوری آن به حقوق بین‌الملل و نظریه امنیت دسته جمعی مربوط می‌شود (Graefrath, 1985: 76). اما در مورد «حق صلح مثبت» باید اظهار داشت که به جهت دارا بودن مفهومی بدیع و پیچیده، قدرت بسیج کنندگی آن نسبت به حق صلح منفی بسیار اندک است. (دوپیچ و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۷۷-۱۷۵). با این وجود بنظر می‌رسد که جمع نظریان حق صلح منفی و مثبت و اتخاذ یک موضع میانی ممکن باشد، بدین صورت که فعالیت‌های صلح به یک میزان به مسائل فقر، جمعیت، بازدارندگی، توسعه، گسترش و کنترل تسلیحات هسته‌ای بپردازد (رک: Amini, 2003: 123).

موضوع استفاده از زور در داخل یک کشور، خارج از شمول قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است، زیرا که این قواعد محدودیت‌های مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را تعیین می‌کنند که در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی آن، مندرج می‌باشند (ر.ک: فلاحیان، ۱۳۸۵: ۲۰۵/۳۵-۲۰۳؛ جانستون، ۱۳۸۵: ۲۹۷/۳۵-۲۸۳). از طرف دیگر، گرچه منشور ملل متحد، شناسایی «وجود تهدید علیه صلح»، «نقض صلح» و «عمل تجاوز» را وفق ماده ۳۹ منشور، بر عهده شورای امنیت گذاشته، اما تعریفی از مفاهیم مذکور ارائه نداده است. در مذاکرات مقدماتی کنفرانس سانفرانسیسکو، شرکت کنندگان به منظور توسعه اختیارات شورای امنیت از تعریف مفاهیم یاد شده در متن منشور خودداری کردند. اعضای کنفرانس به این نتیجه رسیدند که شورای امنیت باید هنگام تهدید علیه صلح در تصمیم‌گیری از آزادی عمل برخوردار باشد (ر.ک: شریف، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۷ و Grean, 1987: 70). از آن به بعد کوشش برای تعریف مفاهیم یاد شده به تصویب قطعنامه ۳۳۱۴ در مجمع عمومی ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ عمومی گردید که تنها «عمل تجاوز» را تعریف می‌کند و در خصوص دو مفهوم دیگر سکوت اختیار گزیده است (ر.ک: شایگان، ۱۳۸۰: ۱۳-۴).

حقوق بین‌الملل معاصر به صورت ناقص مفهوم صلح منفی را شامل می‌شود. بنابراین برخی معتقدند که صلح منفی میان کشورها به مثابه تثبیت وضعیت موجود است، وضعیتی که به ویژه مرزهای ملی را شامل می‌شود (Ramph, 1984: 437-442). مطابق دیدگاه مذکور صلح منفی، حداقل صلح بوده که صرفاً به منزله فقدان جنگ و خشونت تلقی می‌شود. با این وصف، نظریه صلح منفی منطبق با نظریه امنیت دسته جمعی می‌باشد (توحیدی، ۱۳۸۰: ۶۱).

۳-۱-۱- امنیت دسته جمعی

سیستم امنیت دسته جمعی متخذه توسط منشور، هماهنگ با اصولی است که قبل از جنگ جهانی دوم اتخاذ شده بود. همچنین پس از تدوین منشور نیز پیمان‌هایی مانند ورشو و ناتو در بسیاری از موارد با ارجاع به منشور، سیستم مذکور را مورد پذیرش قرار دادند. با وجود این هر دو معاهده ضمن پذیرش اصول حل مسالمت‌آمیز اختلافات و عدم توسل به زور (ر.ک: Baraotti & Reprisals, 1986: 81) با تکیه بر مواد ۵۱ و ۵۲ منشور برای خود نوعی حق دفاع جمعی قائل شدند.

بنابراین، امنیت دسته جمعی متکی بر یک تعهد صریح نسبت به ارزش صلح جهانی توسط همه کشورهاست. نظریه امنیت جمعی بر این باور مبتنی است که صلح تجزیه‌ناپذیر بوده و خطر بر هم خوردن نظم در هر جای دنیا خطری است برای نظم کل جامعه بین‌المللی؛ یک شکاف در شبکه جامعه بین‌المللی موجب شکاف در جای دیگر خواهد شد (مقتدر، ۱۳۷۱: ۷-۶۷).

عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). به همین جهت، مشارکت در نظام امنیت جمعی از منافع حیاتی کل دولت‌هاست (ر.ک: بیلینس، ۱۳۷۸: ۶۶-۵۶؛ ره پیک، ۱۳۸۰: ۲۲۰ و ۲۲۶).

۳-۱-۲- مسأله خلع سلاح

با پایان یافتن جنگ سرد در سال ۱۹۸۹، در چشم‌اندازی کاملاً متفاوت، موضوع خلع سلاح به تدریج جایگاه واقعی خود را پیدا کرد. امروزه خلع سلاح با یک سلسله موانع روبروست که تجارت بین‌المللی اسلحه یکی از آنهاست. دیرگاهی است که انتقال اسلحه از کشورهای صنعتی به کشورهای جهان سوم بخش عمده تجارت بین‌المللی تجهیزات نظامی را تشکیل می‌دهد. تولید کنندگان اصلی اسلحه، علی‌رغم موضعی که در زمینه عدم گسترش افقی تسلیحات اعلام می‌کنند به یک رقابت شدید، جهت بازاریابی دست می‌زنند. موضوع دیگر، تأثیرات خلع سلاح بر اقتصاد ملی است. بنابراین خلع سلاح پایدار به مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های اساسی در سطح جهان نیاز دارد (فونتانل، ۱۳۷۳: ۲۴۱-۲۰؛ ر.ک: ساعد، ۱۳۸۴: ۹۷/۳۲-۵۳).

۳-۱-۳- جنایات ضد بشری

امروزه نقض حقوق بشر، آن هم به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت بار حقوق اساسی بشری، جنایت ضد بشری و علیه صلح و امنیت بشری محسوب می‌شود. این جنایات، اقداماتی خشونت‌آمیز است که متضمن نقض با سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته برخی معتقدند که این‌گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخصی را زیر پا نهاده و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود. آثار و عواقب این جنایات از مرزهای بین‌المللی فراتر رفته، اصول انسانیت و احکام و قواعد آن را از بین برده، تمام مصالح و مقتضات آن را نادیده گرفته و وخامت ناشی از آن محدوده‌های قابل تحمل تمدن امروز را در می‌نوردد، که لزوماً متوجه کل نژاد انسان یا همه ابنای بشر (کیتی شیبازری، ۱۳۸۳: ۱۶۹؛ ر.ک: دیبیم، ۱۳۸۴: ۷۵-۶۴). بنابراین، برخی از قواعد مربوط به حقوق بشر که از ارزش و حمایت جهانی برخوردارند، در قالب قواعد آمره حقوق بین‌الملل بوده که برای کلیه کشورها در سطح ملی و بین‌المللی الزام‌آور می‌باشند (ر.ک: نجفی اسفاد، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

۳-۲- حق صلح در منشور

ناکامی جامعه ملل در پیشگیری از بروز جنگ جهانی دوم، در این باور که «ایجاد یک نظام همکاری بین‌المللی کارآمد می‌تواند در حفظ جهان در مقابل جنگ موثر باشد» تردیدی بوجود نیاورد. طرح‌ریزی چنین سازمان بین‌المللی ابتدا در «کنفرانس دومبارتن اوکس» (Conference of

Dumbarton Oaks) در سال ۱۹۴۴ بود و سپس در «کنفرانس یالتا» در سال ۱۹۴۵ و سرانجام در «کنفرانس سانفرانسیسکو» در سال ۱۹۴۵ که ۵۱ کشور پیش‌نویس منشور ملل متحد را بر اساس پیشنهادهای ارائه شده در «کنفرانس دومبارتن اوکس» تدوین کرده بودند، پایه‌ریزی شد. سرانجام در اکتبر ۱۹۴۵ این سازمان بین‌المللی شروع به کار کرد. سازمان ملل متحد در اصل سازمان سیاسی بین‌المللی بوده وظایف خود را در چارچوب قوانین موضوعه که ناشی از توافق اعضای آن است، انجام می‌دهد (ر.ک: امین زاده، ۱۳۷۵: ۲۱۴/۴-۲۱۲).

همان‌گونه که پیشتر عنوان گردید، یکی از خلائهای حقوق بین‌الملل در رابطه با صلح منفی، نبود مقرراتی در خصوص اصل ممنوعیت توسل به زور بود که با تحولات اساسی در زمینه حقوق بشر و طرح قواعد آمره در حقوق بین‌الملل موجب شد برای نخستین بار در سطح جهانی بعد از جنگ جهانی دوم، منشور ملل متحد، این اصل را به موجب حقوق بین‌الملل به رسمیت شناسد. این نخستین ممنوعیت عمومی بوده که نقض آن با جدیت پیگیری می‌شد. با اصل منع توسل به زور بود که حقوق بین‌الملل با مشکل‌ترین وظیفه خود یعنی، یافتن راه حلی برای مشکل همزیستی صلح‌آمیز کشورها، آشنا شد (ر.ک: کرم زاده، ۱۳۸۲: ۱۷۷/۱-۱۶۷).

سیستم امنیت دسته جمعی مندرج در منشور، یک سیستم امنیت دسته‌جمعی جهانی است. در این سیستم برای دستیابی به صلح پایدار لازم است که با تکیه بر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز، اختلافات را به طریقی حل و فصل کرد که استفاده از زور بعنوان یک وسیله حل و فصل، در عمل بطور کامل ممنوع شود. به هر حال، فرهنگ واقعی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، تنها زمانی توسعه یافته و تبدیل به یک رویه عمومی خواهد گردید که تفسیر بنیادی در روابط بین‌المللی حاصل شده و نظم نوین در جهان دموکراتیک و غیر نظامی حاکم گردد (Szentés, 1987: 3/32). بنابراین، برای جایگزین کردن این سیستم بصورت کامل، نیازمند توجه اساسی به محتوای ابعاد جدید امنیت در جهان می‌باشد (دویچ و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۷۶).

۳-۳- نقض صلح و امنیت بین‌المللی از طریق ارتکاب اعمال تروریستی

۳-۳-۱- بیان مسأله: دیدگاه‌ها، موازین

اختلاف‌نظر میان حقوقدانان و سیاست‌مداران در خصوص تعریف تروریسم به گونه‌ای است که برخی آن را شکلی پیچیده از خشونت سیاسی دانسته که نه اتفاقی و نه فاقد هدف و استراتژی است و ابزار انانی است که مخالف تمدن و ارزش‌های مدنی هستند. عده‌ای دیگر، تروریسم را استفاده غیر قانونی از زور و یا تهدید به استفاده از آن و یا خشونت از سوی یک گروه انقلابی دانسته‌اند که علیه افراد یا اموال با هدف وادار ساختن یا مرعوب کردن دولت یا

دولت‌ها، برای دست یافتن به مقاصد سیاسی یا ایدئولوژیکی به عمل می‌آید (نجفی اسفاد، ۱۳۸۰: ۱۰۴-۱۰۳).

با این حال، برخی اذعان دارند اقدامات تروریستی گسترده که متضمن مشخصات سنگدلانه نظیر حملات ۱۱ سپتامبر یا شبیه این اقدامات باشند، اگر شرایط جرایم ضد بشری را دارا باشند، در همین گروه از جرایم قرار می‌گیرند که در این صورت، لازم نیست یکی از ویژگی‌های عمده تروریسم در نظر گرفته شود (کاسه، ۱۳۸۰: ۵۵/۵-۶). اما برخی دیگر، اعتقاد دارند که اگر تروریسم بین‌المللی با مداخله دولت‌ها، هدایت، تقویت و یا اجرا شود در محدوده این جرایم خلاصه نمی‌شود. در این صورت یکی از جرایم بین‌المللی دولت است که به شرح مندرج در ماده ۳۹ منشور ملل متحد از آن تحت عنوان «تهدید علیه صلح» یاد شده است (توحیدی فرد، ۱۳۸۲: ۵/۴).

در خصوص عبارت «تهدید علیه صلح» برخی اعلام می‌نمایند که یکی از مهم‌ترین مطالب قابل توجه، وجود اختلاف میان معانی «تهدید به زور» مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور و «تهدید علیه صلح» بکار رفته در ماده ۳۹، می‌باشد. تشخیص این مسأله که چه اعمالی تهدید علیه صلح محسوب می‌شوند به طور کلی در حوزه اختیارات شورای امنیت است. بنابراین اگر دولتی از اجرای تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری (ماده ۹۴ منشور) و هر محکمه بین‌المللی خودداری و یا از پذیرش توصیه‌های یک کمیسیون سازش سر باز زند، رفتارش به عنوان تهدید علیه صلح شناخته می‌شود، چرا که عمل دولت مذکور به نحوی نیست که قصد توسل به زور از آن استنباط گردد (Kelsen, 1951: 171-173; Reisman, 1973: 4, 1974; Saksena, 1974: 727-728).

در قطعنامه‌های متعدد، شورای امنیت از عبارات‌های «تهدید علیه صلح» یا «خطری برای صلح» استفاده کرده بدون آنکه بین این دو مفهوم، وجوه ممیزه‌ای قائل و یا آنها را از عبارت «نقض صلح» تفکیک کرده باشد. استفاده نموده است. شورای امنیت در پی صدور قطعنامه ۵۶۲ در ۲ ژوئن ۱۹۵۸ در خصوص اقدامات آفریقایی جنوبی علیه آنگولا مقرر کرد: «آفریقایی جنوبی با نقض حاکمیت و تمامیت ارضی آنگولا، صلح و امنیت بین‌المللی را بطور جدی به خطر انداخته است». بنابراین تا اوایل دهه ۱۹۹۰، تروریسم صرفاً یک جرم بین‌المللی به حساب می‌آمد. اما از این زمان به بعد تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی نیز تلقی گردید.^۱ به دنبال حادثه لاکربی، شورای امنیت در سال ۱۹۹۲ قطعنامه‌های ۷۳۱ و ۷۴۸ را صادر و اعلام

۱. در ۱۳ مارس ۲۰۰۱، در ماجرای تروریستی شدید که ادعا می‌شد «قذافی» در آن دخیل بوده، دادگاه جنائی کاسسون فرانسه اظهار کرد: «تروریسم، یک جرم بین‌المللی نیست که مستلزم زوال مصونیت قضایی و سیاسی سران دولت‌ها باشد؛ به همین سبب رسیدگی دادگاه بدوی به طرفیت رهبر لیبی باطل اعلام می‌شود» (Harry & Almond, 2002: 214).

داشت که تروریسم (انفجار هواپیمای در حال پرواز) تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد (N.DOC./ PV/3036, 31Mar .1992, P.17). در این خصوص ر.ک: فلسفی و بیگ زاده، ۷۳-۱۳۷۲: ۱۳-۱۴؛ میر محمد صادقی، ۱۳۸۱: ۹۴-۸۵؛ کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۹۲-۱۰۶۹). این شورا در اجلاس ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ نیز با عنایت به اقدامات تروریستی در منطقه فلسطین اشغالی، در بند ۵ قطعنامه صادره، تروریسم ارتكابی را اقدامی علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کرد.

با این وصف، مشاهده می‌شود تا قبل از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دولت بزه دیده و بسیاری از دولت‌های جهان از این دیدگاه تبعیت می‌کردند که نمی‌توان تروریسم را جرم بین‌المللی تلقی کرد. اما پس از وقوع این حادثه و صدور قطعنامه ۱۳۶۸ در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط شورای امنیت با توسل به فصل هفتم منشور، اعمال تروریستی انجام شده تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شد (جلالی، ۱۳۸۴: ۶۶/۵۲؛ کدخدایی و رزانشان، ۱۳۸۶: ۱۱۳/۱۱-۹۷). در این راستا، جامعه بین‌المللی به این نکته گرایش نشان داد که جرایم شدید تروریستی را در چارچوب جرائم ضد بشری (ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) قرار دهد (کاسسه، ۱۳۸۰: ۶-۵۵/۵). شورای امنیت همچنین در قطعنامه الزام‌آور ۱۳۷۳ (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱) بر ضرورت مقابله با تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی که بواسطه وقوع حوادث تروریستی ایجاد شده، تأکید کرد (در خصوص نقد و بررسی قطعنامه ۱۳۷۳، ر.ک: طیبی فرد، ۱۳۸۴: ۲۲/۲۷-۲۶۵ و یوس، ۱۳۸۲: ۲۹/۳۴۹-۳۴۸).

آنچه را که بدون شک می‌توان از این تعاریف استنباط کرد و شورای امنیت نیز تلویحاً یا صراحتاً در قطعنامه‌های مصوب خویش که از سال ۱۹۹۲ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر همان سال در باب تروریسم صادر کرد، بر آن تأکید ورزید، اولاً اقدامات و عملیات تروریستی «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» است (S/R ES/748,1992,S/RE S/) و ثانیاً شرط مادی تروریستی تلقی کردن رفتارهای غیرقانونی و تهدیدآمیز «خشونت آمیز بودن» آنهاست (S/RES/1368,2001). همچنین شورای امنیت در مقدمه قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ حق دفاع مشروع فردی و جمعی را مورد تأیید قرار داده (ر.ک: نمایان و طیبی، ۱۳۸۵: ۲۸-۱۹۲/۲۷)، لکن در قطعنامه‌های مذکور حملات تروریستی صورت گرفته نه به عنوان «حمله مسلحانه»، بلکه بعنوان «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» قلمداد شده‌اند. مع الوصف در مجموع برداشت می‌شود که شورای امنیت به تواتر تروریسم بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به حساب آورده و میان آن دو، پل ارتباطی مستحکم ایجاد کرده است، تا بدانجا که امروزه تا حدود زیاد می‌توان مدعی وجود قاعده عرفی بین‌المللی تحت عنوان «تروریسم بین‌المللی تهدیدی است علیه صلح و امنیت بین‌المللی» شد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۳۳).

۳-۳-۲- شناخت اهداف و غایات

عدم دخالت در امور داخلی ملت‌ها یکی از اصول زیر بنایی حقوق بین‌الملل است، اما واقعیات موجود در صحنه مناسبات جهانی نشان می‌دهد که دخالت قدرت‌های سلطه‌گر در امور داخلی سایر کشورها همواره مجاز بوده است. بنابراین، حفظ نظام کنونی جز از طریق ظلم و تعدی به حقوق ملت‌ها و استفاده از زور و فریب امکان‌پذیر نیست، زیرا پاسداری از ظلم و بی‌عدالتی در راستای حفظ نظام ظالمانه کنونی تنها در سایه استفاده از اقدامات تروریستی میسر است. بدین جهت، بی‌عدالتی‌های موجود در سطح جهان و تبعیض‌های ناروا و استثمار ملت‌های ضعیف توسط قدرت‌های سلطه‌گر یکی از علت‌های گسترش تروریسم است (واعظی، ۱۳۸۰: ۴۰-۳۸).

با دقت نظر در اعمال تروریستی، مشخص می‌شود که در تروریسم کشتن، ربودن، مجروح کردن و تخریب اماکن فی‌الذمه هدف نیست؛ چرا که تروریسم با «بی‌رحمی و قساوت» و «ترس و وحشت» نیز ارتباط دارد (دائرة المعارف لاروس، ۱۰: ۱۹۶۴/۲۵۸ و بند ۱ ماده ۴۲۱ قانون جزای فرانسه). به طور کلی تروریسم به خشونت شدیدی اطلاق می‌شود که بصورت تهدید ناشناخته و پیش‌بینی نشده اعمال می‌شود (جلالی، ۵۲: ۵۱/۱۳۸۴). البته در فرهنگ حقوقی بلاک آمده است: «تروریسم استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت برای ارعاب یا ایجاد ترس خصوصاً به عنوان وسیله‌ی برای تأثیر گذاشتن بر رفتار سیاسی می‌باشد» (Garner, 2004: 1512-1513).

با این وصف، هدف اصلی تروریسم ایجاد اندازه‌ای از ناامنی در جامعه بوده که قدرت اثر بخشی بر افکار عمومی را دارا باشد. ممکن است این ایراد مطرح شود که ترور شخصیت‌های مشخص سیاسی کور نیستند و با هدف فوق قابل توجه نمی‌باشند. می‌شود تأکید کرد که در ترور این‌گونه اشخاص، شخصیت خصوصی مورد هدف نیست، بلکه شخصیت عمومی (موقعیت و منزلت اجتماعی) شخص است که هدف اقدامات تروریستی قرار می‌گیرد (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱). در خصوص تروریسم و علت وجودی آن باید اظهار کرد تروریست‌ها، ناراضیان سیاسی هستند که نسبت به تصمیمات و نهادهای سیاسی خاصی اعتراض مشروع یا نامشروع دارند. بنابراین، منظور از اعتراضات مشروع این واقعیت را آشکار می‌سازد که در بسیاری از مواقع نهضت‌های آزادی‌بخش (ممتاز، ۱۳۸۰: ۴۰-۳۳؛ هاشمی، ۱۳۷۹: ۱۱۶۵-۱۱۶۴) و مخالفان سیاسی جهت رسیدن به اهدافشان به اعمال تروریستی متوسل می‌شوند. بنابراین، هدف تروریست‌ها، تأثیرگذاری بر سازمان سیاسی جامعه به اتخاذ تصمیمی خاص یا تجدید نظر در تصمیمی خاص می‌باشد. با این حال، می‌توان اشاره کرد که در اکثر اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم در این رابطه مقرراتی پیش‌بینی شده که در این میان به ذکر دو کنوانسیون بین‌المللی ضد گروگانگیری مورخ ۱ دسامبر ۱۹۷۹ و کنوانسیون بین‌المللی مبارزه

با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ سازمان ملل بسنده می‌شود. هدف کنوانسیون اول محاکمه و به کیفر رساندن افرادی است که مبادرت به گرونگیری کرده‌اند (دیپم، ۱۳۸۰: ۹۲). اما هدف از تصویب کنوانسیون دوم، جرم‌انگاری ارائه یا جمع‌آوری وجوه مالی به منظور سهولت در اجرای اعمال تروریستی و همچنین انسداد راه‌های تغذیه مالی تروریست‌ها می‌باشد (طیبی فرد، ۱۳۸۴: ۳۲/۳۰۵-۲۵۹).

با شناسایی هدف و غایت تروریسم مشخص می‌شد که محور ساخت هر اقدام تروریستی اعم از داخلی یا بین‌المللی «بر هم زدن نظم عمومی موجود» و «جایگزین کردن نظام مورد نظر تروریست‌ها» می‌باشد. بنابراین، اثر بخشی تروریسم در تضعیف صلح و روابط دوستانه بین‌المللی موثر بوده که بر همین اساس حفظ صلح بعنوان وظیفه محوری هر نظام حقوقی (Lauterpacht, 1966: 64-65)، تدارک قواعد آمرانه برای صیانت از صلح را ضروری می‌سازد.

۴- جرم انگاری: اقدامات جامعه بین‌المللی در مواجهه با تروریسم

۴-۱- سازمان ملل متحد

۴-۱-۱- مجمع عمومی

از سال‌ها پیش، مبارزه با تروریسم یکی از موضوعات عمده مورد اهتمام جامعه بین‌المللی بوده، که نخستین حرکت منسجم در این خصوص به دوران جامعه ملل باز می‌گردد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در آن دوره، جامعه بین‌المللی شاهد اقدامات تروریستی عدیده بود و بسیاری از مقامات دولتی و عمومی و همچنین اماکن دولتی و عمومی مورد هدف قرار گرفتند. از سال ۱۹۶۳ به بعد، دولت‌ها در مواجهه با گسترش تروریسم بی‌توجه نبوده و تصمیمات و معاهدات گوناگون میان خود در سازمان ملل متحد، آژانس‌های تخصصی و سازمان‌های منطقه‌ای بویژه در اروپا اتخاذ و به تصویب رساندند. همچنین در خصوص مبارزه و محکومیت تروریسم، قطعنامه‌های گوناگون در سازمان ملل متحد تدوین و به تصویب رسیده است. با وجود این، مجمع عمومی به منظور اتخاذ تصمیماتی در جهت منع و سرکوب تروریسم، بررسی اشکال و مظاهر آن و نیز فراهم نمودن موقعیت‌هایی که به نابودی زندگی بشر منجر می‌شود، در خلال دهه ۱۹۷۰ با تأکید بر کنوانسیون‌های ۱۹۶۳ توکیو، قطعنامه‌هایی را در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ صادر نمود و از دولت‌ها تقاضا نمود که نسبت به کوشش در ارائه راهکارهای عدالت محور و صلح آمیز و به اجرا گذاردن کنوانسیون‌های مزبور مطابق با اصول و موازین حقوقی، از هر گونه همکاری و مساعدت با اقدامات تروریستی در هر جای جهان خودداری کرده و اقدامات مناسبی را جهت مبارزه با تروریسم در عرصه ملی و

بین‌المللی اتخاذ نمایندند(-) Bulletin des Arrêts de la Cour de Cassation. March, 2001: No64/218- (219). مجمع عمومی در پی صدور قطعنامه ۴۱/۶۱ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ نگرانی فزاینده خود را نسبت به گسترش اقدامات تروریستی، توسعه پهنه عملیات و ضرورت یکپارچگی جهان را در ناپودی تروریسم اعلام کرد. معذالک صدور قطعنامه‌های گوناگون در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۸۳، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی از حیث شکل، شناخت عرصه‌های نوین جهت اقدامات تروریستی و محتوا، متضمن ایجاد آرامش در جامعه بین‌المللی و انهدام تروریسم بوده است (http://www.undep.org/Terrorism-definitions.Htm LA/RES/40/61 Measure to Prevent) (International Terrorism . 9 .Dec .1985).

البته در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۴۶/۵۱ تحت عنوان «اقداماتی برای ناپودی تروریسم» و تأکید بر مفاد کلیه قطعنامه‌های پیشین، اضطراب خود را از توسعه و ایجاد اتصال خطرناک بین گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر و دسته‌های شبه نظامی که به تمام اشکال خشونت متوسل شده و در کنار تهدید علیه نظام قانونی دولت‌ها، اصول حقوق بشر را نقض می‌کنند، ابراز کرد (A/RES/46/SL.Dec.9.1991). هر چند باید اذعان داشت که مجمع عمومی در واکنش به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رویه‌ای محتاطانه را برگزید، چرا که بر خلاف قطعنامه پیشین، با صدور قطعنامه ۵۶/۱ در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ (G.A.RES.A/56/1,18 Sep.2001) صرفاً بر مجرمانه بودن این حملات تأکید کرد و هیچ اشاره‌ای به تهدیدات تروریسم بر روند صلح و امنیت بین‌المللی نکرد. با وجود این، در قطعنامه‌هایی که از سال ۱۹۹۴ به بعد در خصوص امحای تروریسم (Declaration on Measures to Eliminate Interational Terrorism, A/49/60,9 Dec.1994) از سوی مجمع عمومی صادر شده، همواره بر تروریسم بر خلاف اصول اهداف منشور و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است (G.A.RES. A/54/109,25Feb.2000).

۴-۱-۲- شورای امنیت

سراغز عملکرد شورای امنیت در مبارزه با اعمال تروریستی به سال ۱۹۸۵ بر می‌گردد. این شورا پس از حمله دول متحد علیه عراق، برای نخستین بار طی قطعنامه ۶۸۷ در ۸ آوریل ۱۹۹۱ (S.C.RES. 687. 8Apr 1991) تروریسم بین‌المللی را محکوم کرد. در ضمن این قطعنامه، شورای امنیت برای نخستین بار با اشاره به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری ۱۹۷۹، تمام اعمال گروگانگیری را در ردیف تروریسم بین‌المللی قرار داد.

بار دیگری که شورای امنیت با تروریسم بین‌المللی درگیر شد در قضیه لاکربی بود که در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۲ طی قطعنامه ۷۳۱ از کشور لیبی خواست با اجرای مفاد قطعنامه، تروریسم را

محکوم نماید. همچنین در پی صدور قطعنامه ۷۴۸ در ۳۱ مارس ۱۹۹۲، شورای امنیت تحریم‌های اقتصادی و سیاسی را علیه کشور لیبی در صورت عدم استرداد دو متهم به آمریکا یا بریتانیا، پیش بینی کرد (UN.DOC.S/PV/3036, 31 Mar. 1992, P. 17).

در پی تلاش برای ترور رئیس جمهور مصر در اتیوپی و فرار مظنونان به سودان، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵ در سال ۱۹۹۶ علیه سودان دست به تحریم‌هایی زد. همچنین در خصوص گروگانگیری در لبنان و انفجار سفارت آمریکا در «ناپروبی» و «دارالسلام» با صدور قطعنامه‌هایی ضمن محکوم کردن تروریسم و تأکید بر تعهد دولت‌های عضو ملل متحد، از آنها خواست که از هر گونه همکاری، مساعدت و مشارکت در عملیات تروریستی در دیگر کشورها خودداری کنند (Schijver, 2001: 227). به دنبال اصدار قطعنامه‌های فوق و در پی وقوع چند بحران تروریستی، شورای امنیت مجدداً با تأکید بر انهدام تروریسم به صدور چند قطعنامه مبادرت نمود. قطعنامه ۱۲۱۴ مصوب ۸ دسامبر ۱۹۹۸ راجع به تهدیدات بیش از پیش جنگ داخلی افغانستان بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و توقع شورای امنیت از طالبان نسبت به توقف پناه دادن به تروریست‌های بین‌المللی و آموزش آنها با اتخاذ اقدامات لازم از سوی این شورا (در این خصوص ر.ک: یوس، ۱۳۸۲: ۳۵۸-۳۶۲/۲۹ و Jinks, 2005: 144-147) قطعنامه ۱۲۶۷ مصوب ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ در مورد شبکه تروریستی بن لادن، کشت و تولید قاچاق مواد مخدر و نقض حقوق بشر دوستانه، قطعنامه ۱۲۶۹ مصوب ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ در خصوص الزام جامعه بین‌المللی به تلاش روز افزون برای پیشگیری و سرکوب تروریسم، قطعنامه ۱۳۳۳ مصوب ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ راجع به انسداد وجوه مالی بن لادن و شبکه القاعده با توجه به فصل هفتم منشور ملل متحد (S/R ES.1333, 2000)، قطعنامه ۱۳۶۳ مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ در رابطه با ایجاد راهکارهای نظارت بر اجرای اقدامات مورد نظر در قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳، قطعنامه ۱۳۶۸ مصوب ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ ناظر بر درخواست شورای امنیت از جامعه بین‌المللی نسبت به تلاش مضاعف برای جلوگیری و انهدام اعمال تروریستی، قطعنامه ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ در خصوص ضرورت مقابله با تهدیدات عملیات تروریستی جهت بر هم زدن صلح و امنیت بین‌المللی (Akehurst, 1987: 221-222) و ایجاد کمیته مبارزه با تروریسم (راجع به کمیته مذکور ر.ک: Rosand, 2003: 333-334)، قطعنامه ۱۳۷۷ مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ در اجلاسیه وزرای عضو به عنوان مکمل قطعنامه‌های پیشین و در راستای اجرای کامل قطعنامه

۱. توضیح اینکه شورای امنیت اولاً در خصوص شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی دولت‌ها از اختیارات فصل ۷ منشور استفاده نمود و ثانیاً با صدور قطعنامه ۱۳۷۳ و طرح دفاع مشروع به عنوان حق ذاتی، تلویحاً مجوز حمله به افغانستان را صادر نمود که بدعت گذار در امر دفاع مشروع شناخته شد (ر.ک: جانستون، ۱۳۸۵: ۲۹۲). البته برخی ضمن الزام‌آور بودن آن برای دولت‌ها ادعان می‌دارند که مسأله ارزش عام الشمول بودن قطعنامه هنوز مورد بحث است (یوس، ۱۳۸۲: ۳۴۸/۲۹).

۱۳۷۳ از سوی کلیه دولت‌ها (Haffman. 1994: 3/128, SC/ 1207, RES/ 1377, Anti /Terrorism) با برخورداری از پشتوانه اجرایی مواد ۲۵ و ۴۸ منشور ملل متحد (ر.ک: Carsten, 2001; Kirgls, 2001)، قطعنامه ۱۳۹۰ مصوب ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲، قطعنامه ۱۴۵۲ مصوب ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ و قطعنامه ۱۴۵۵ مصوب ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ که ناظر به اجرای بهتر انسداد وجوه مقرر در قطعنامه‌های ۱۲۶۷، ۱۳۳۳ و ۱۳۹۰ بوده، از این موارد می‌باشند (<http://www.un.org.terrorism/SC/htm>).

شورای امنیت نیز در خصوص عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، بر پایه فصل هفتم منشور، قطعنامه ۱۵۴۰ را در سال ۲۰۰۴ به تصویب رساند. شورا در این قطعنامه نگرانی شدید بین‌المللی را نسبت به خطر تروریسم و نیروهای فعال غیر دولتی در دستیابی، گسترش، حمل و نقل غیر قانونی و استفاده از این سلاح‌ها را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ابراز نمود (Resolution 1540, 28 April 2004).

با این اوصاف، نکته حائز اهمیت اینکه، شورای امنیت در صدور کلیه قطعنامه‌های مذکور مسأله تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی توسط اقدامات تروریستی را مورد اهتمام ویژه قرار داد، اما در برخی از آنها همانند قطعنامه ۷۴۸ علاوه بر مسأله فوق، به مسأله استرداد مجرمین و مسئولیت‌های بین‌المللی کشور لیبی پرداخته که با توجه به منشور ملل متحد به نظر می‌رسد بر خلاف شأن و سرشت سیاسی شورای امنیت می‌باشد (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۷۲/۳۱۲).

۴-۲- معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی

هرگاه تکرار یک واقعه تروریستی به اوج خود می‌رسد و یا ابعاد آن موجبات نگرانی را در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند، کوشش در جهت پیشگیری، سرکوب و به کیفر رساندن عاملان چنین اقداماتی شدت می‌یابد. سازمان ملل متحد در راستای جلوگیری و مبارزه با این‌گونه اقدامات تهیه، تدوین و به تصویب رساندن کنوانسیون‌های بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده است. با این وصف، سازمان ملل متحد از مدت‌ها قبل، مرکز تلاش‌های بین‌المللی جهت گسترش سیاست مشترک همکاری میان دولت‌ها برای جلوگیری و مقابله با تروریسم بوده، که دستیابی به این هدف، به هیچ وجه، سهل به نظر نمی‌رسد. معذالک در دهه‌های اخیر شمار زیادی از اسناد حقوقی مفتوح، جهت مشارکت جهانی که ابعاد معین از تروریسم را مورد توجه قرار داده، در سازمان ملل متحد، تنظیم و تصویب شده که در کنار هم، پایه و اساسی استوار را برای توفیق در مبارزه با تروریسم فراهم می‌آورد (بطروس غالی، ۱۳۸۰: ۱۲/۲ - ۱۲۰ و ۱۱۷).

به موازات اقدامات مجمع عمومی و شورای امنیت در مبارزه با تروریسم، کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد برای پیشگیری از عملیات تروریستی و تعیین چارچوب حقوقی و قانونی

الزام آور وضع و تصویب شده‌اند. نخستین تلاش دولت‌ها در جهت تأمین امنیت پروازها و حمایت از آن منجر به تصویب «کنوانسیون جرائم و سایر اعمال ارتكابی در هواپیما» در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ شد که مقررات آن از سال ۱۹۶۹ به اجرا در آمد. دومین کنوانسیون در لاهه تحت عنوان «کنوانسیون مقابله با تصرف غیر قانونی هواپیما» در مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ مصوب شد (ر.ک: قطعه‌نامه ۲۶۴۵ مجمع عمومی). کنوانسیون مزبور ناظر به مقابله با ربودن هواپیماهای در حال پرواز بود. کنوانسیون معروف به مونترال با عنوان «کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی هوانوردی کشوری» سومین کنوانسیون بود که در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در جهت مبارزه با تروریسم هوایی به تصویب رسید. این کنوانسیون در خصوص جرم‌انگاری اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی هواپیماهای کشوری در حال پرواز به صورت طیفی گسترده است. برای جرم‌انگاری هر گونه اعمال غیرقانونی و عمدی خشونت آمیز علیه اشخاص در فرودگاه‌ها یا هواپیماهای غیرنظامی که مصدومیت خطرناک یا مرگ یا تخریب یا زیان‌های جدی به امکانات فرودگاهی یا هواپیمایی را موجب می‌شود، پروتکلی در ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ به عنوان مکمل کنوانسیون مونترال تحت عنوان «پروتکل جلوگیری از اقدامات غیر قانونی خشونت‌آمیز در هوانوردی کشوری» تصویب شد.

با وجود این در مقابل گسترش تروریسم، کنوانسیون‌های متعددی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در رابطه با جلوگیری و محکومیت تروریسم به تصویب رسید. کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک ۱۹۷۳، کنوانسیون بین‌المللی ضد گروگانگیری ۱۹۷۹ (ر.ک: Alexander & Nanes, 2001)، کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۸۰، کنوانسیون رویارویی با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی کشتیرانی دریایی ۱۹۸۸ و پروتکل الحاقی به آن، کنوانسیون علامتگذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی بعدی ۱۹۹۱، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از بمب‌گذاری‌های تروریستی ۱۹۹۷، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹^۱ و کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اعمال تروریستی هسته‌ای ۲۰۰۵ از مهم‌ترین این کنوانسیون‌ها به شمار می‌روند.

۱. علاوه بر اسناد فوق، اسنادی همچون دستورالعمل اتحادیه اروپا در زمینه جلوگیری از کاربرد سیستم مال در مصارف پول شویی (۱۹۹۱)، اعلامیه سیاسی و طرح عملی علیه پول شویی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۹۸) و کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی (۲۰۰۰)، اسنادی هستند که با الگوبرداری از مفاد توصیه‌های «گروه ضربت اقدام مالی علیه پول شویی» موسوم به «فتف» تدوین شده‌اند. شایان ذکر است که فتف در سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳ توصیه‌های چهل‌گانه خویش را در زمینه مبارزه به پول شویی و تأمین مالی تروریسم ارائه نموده است (جهت کسب اطلاعات بیشتر، ر.ک: عباسی، ۱۳۸۶: ۱۸۰/۲-۱۶۸؛ گلدوزیان و عباسی، ۱۳۸۶: ۲۱۱ - ۲۰۷/۴).

به رغم تصویب کنوانسیون‌های فوق، دولت‌های عضو سازمان‌های بین‌المللی، همواره اقدامات تروریستی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌کرده‌اند. در این رابطه تلاش دولت‌ها در خصوص مبارزه با تروریسم و تقلیل آثار و ترمیم عوارض زیانبار و همچنین واکنش متناسب در قابل این‌گونه اقدامات منجر به تصویب کنوانسیون‌های منطقه‌ای متعددی شد که می‌توان به کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی در خصوص پیشگیری از اعمال مجرمانه تروریستی و تهدید علیه مورد اهتمام بین‌المللی و مجازات عاملان آن (در این خصوص ر.ک: Freestone, 1994: 53)، کنوانسیون اروپایی پیشگیری از تروریسم ۱۹۷۷، کنوانسیون تهیه شده توسط موسسه همکاری منطقه‌ای آسیای جنوب^۱ (Soath Asian Association for Regiona Cooperation) در خصوص مبارزه با تروریسم ۱۹۸۷، کنوانسیون ۱۹۹۸ کشورهای عربی راجع به مبارزه با تروریسم، عهدنامه مربوط به همکاری بین کشورهای مستقل مشترک المنافع در مورد مبارزه با تروریسم ۱۹۹۹، کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی ۱۹۹۹، کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا راجع به جلوگیری و مبارزه با تروریسم ۱۹۹۹ و پروتکل الحاقی سال ۲۰۰۴ به آن، کنوانسیون سال ۲۰۰۲ کشورهای آمریکایی در مورد مبارزه با تأمین مالی تروریسم و دو کنوانسیون شورای اروپا در مورد جلوگیری از تروریسم و حمایت مالی از آن و پول شویی ۲۰۰۵ اشاره کرد (ر.ک: Norton & shams, 2001: 36/117-118).

۵- سازوکار متناسب در قبال ارتکاب اعمال تروریستی

۵-۱- تکالیف دولت‌ها

وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و بر جای گذاردن آثاری دائمی بر نظام بین‌المللی، به ایجاد تکالیف جهانی در جهت توسعه جرم‌انگاری تروریسم برای دولت‌ها منجر گردید. از اینرو، عملاً این تکالیف با صدور قطعنامه ۱۳۷۳ به منحصه ظهور نشست. البته عملیات انجام گرفته را حقوقدانانی همچون آلن پله، کوفی عنان (www.un.org/News/Press/docs/2001/20010918.sgsm561.htm) و ماری رابینسون (G.A.Res. A/56/1, 18 sep – 2001) جنایت در حق بشریت خواندند (Cassese, 2001:12/ 1994). با وجود این، ارائه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مذکور و نبود قواعد عرفی بین‌المللی به صدور قطعنامه ۱۳۷۳ منجر شد و بر همین اساس، دولت‌ها مکلف به جرم‌انگاری تروریسم در قوانین داخلی خود شدند. به علاوه، تقریباً تمام دولت‌ها نیز در گزارشات ارسالی خود به کمیته ضد تروریسم شورای امنیت (بند ۶ قطعنامه ۱۳۷۳)، بر لزوم تعریف و جرم‌انگاری آن تأکید کرده‌اند، که این امر نشانگر اجماع دولت‌ها در این مورد می‌باشد. همچنین با مطالعه

۱. سارک (S.A.A.R.C.) در سال ۱۹۸۵ از سوی سران دولت‌های بنگلادش، یونان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا تأسیس گردید.

بندهای یک الی پنج قطعنامه مذکور در می‌یابیم که شورای امنیت تکالیفی اعم از عدم تأمین مالی تروریسم، همکاری اطلاعاتی و امنیتی برای جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی، جرم‌انگاری تروریسم، مجازات متهمین، معاضدت قضایی، یافتن ساز و کارهای مناسب برای ازدیاد و تسریع تبادل اطلاعات کاربردی مطابق با حقوق داخلی و بین‌المللی، همکاری فزاینده از طریق ترتیبات و موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه، پیوستن سریع به مقررات بین‌المللی و غیره را بر دولت‌ها احضاء نموده است (جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: زرنشان، ۱۳۸۶: ۳۶-۹۴-۵۷).

مضاف بر این، تلاش مشترک از سوی دولت‌ها می‌تواند زمینه‌های اصلی رشد بحران‌ها و منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای که موجب شکل‌گیری تروریسم است را شناسایی و نسبت به نابودی آن اقدام کنند. همچنین، کشورها باید نظام قانونی و قضایی خود را به گونه‌ای طراحی نمایند که منطبق با توافقات و معاهدات مورد پذیرش بین‌المللی باشد. بنابراین، تلاش مشترک دولت‌ها در این زمینه می‌تواند ارائه منطقی چنین همکاری‌های مشترکی ختم گردد. بنابراین واکنش متناسب در قبال اعمال تروریستی، تعقیب، توقیف و مجازات عاملان آنها وفق مقررات و اصول کلی حقوقی است (ر.ک: توحیدی فرد، ۱۳۸۱: ۱۹۲-۱۸۹).

۵-۲- اعمال قواعد کیفری مندرج در منشور

همان‌طور که قبلاً اشاره شد ماده ۳۹ منشور موارد تهدید علیه صلح و نقض آن و اقدام به تجاوز را مورد نظر قرار داده است. بر همین اساس، شورای امنیت در صورت احراز هر گونه تهدیدی علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز، توصیه‌هایی را خواهد کرد یا در رابطه با اجرای اقدامات لازم به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی را مطابق مواد ۴۱ و ۴۲ اتخاذ تعمیم می‌کند (Dinstein, 1998: 169). به علاوه، شورا بر اساس ماده ۴۱ منشور می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیماتش لازم است به چه اقداماتی که متضمن بکارگیری نیروی نظامی نباشد، دست بزنند و نیز می‌تواند از اعضای ملل متحد درخواست نماید که به اقداماتی از قبیل توقف تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی، مبادرت ورزند. البته در صورتی که شورا تشخیص دهد اقدامات مذکور راهگشا نیست، می‌تواند نسبت به اجرای ضمانت‌اجراه‌های نظامی مندرج در ماده ۴۲ توسط نیروهای هوایی، دریایی و زمینی برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت جهانی مبادرت ورزد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که در صورت نبود نیروهای نظامی در اختیار شورا، چگونه می‌توان از عدم اجرای ماده ۴۲ منشور ممانعت به عمل آورد؟ در پاسخ به این پرسش

باید اظهار داشت که بر اساس اجازه ضمنی مستفاد از قطعنامه‌های شورای امنیت، این شورا می‌تواند توسل به زور را علیه دولت بزهکار از سوی دولت‌های بزه دیده جایز شمارد. در اینجا باید یاد آور شد که با عنایت به بند ۴ ماده ۲ منشور، علاوه بر ماده ۴۲، مواد ۵۱، ۵۳، ۱۰۶ و ۱۰۷ منشور نیز استثنایی بر اصل ممنوعیت توسل به زور می‌باشند (رک: جلالی، ۱۳۸۵: ۱۵۱/۵۸-۱۵۰). با وجود این، برخی استثنای عدم توسل به استفاده از زور را به دفاع فردی، دفاع جمعی، مجاز بودن اقدامات صورت گرفته از سوی نهاد بین‌المللی صالح یا مقررات یک معاهده، اقدامات برای مقابله با تجاوز و اقدامات جهت حفظ جان و اموال اتباع در قلمرو کشور دیگر طبقه‌بندی کرده‌اند (Brownline, 1963: 265) که از این حیث منشور این حق را یک حق ذاتی برای دولت‌ها معرفی کرده است (Randelzhofer, 1995: 666). اما باید دانست که دفاع مشروع در زمان وقوع یک حمله جدی صورت می‌گیرد که بر همین مبنا اکثر صاحب‌نظران حقوقی قائل به قانونی بودن آن در حقوق بین‌الملل می‌باشند، همان‌گونه که ماده ۵۱ منشور نیز بر آن تأکید ورزیده است (کدخدایی، ۱۳۸۱: ۹۵/۳۳).

به دنبال این تفاسیر، آیا شورای امنیت می‌تواند پس احراز تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز، با توسل به ماده ۳۹ منشور به جای اتخاذ تصمیم با تفسیر موسع از ماده ۲۹ منشور ضمن قرار گرفتن در جایگاه قانون‌گذار جهانی، دادگاه بین‌المللی تشکیل دهد؟ در پاسخ باید اذعان نمود برخی با نگرانی از این اقدامات و با تأکید بر کنوانسیون وین (ماده ۶۶) پیشنهاد می‌کنند که صلاحیت تعیین عنوان جرم علیه قواعد آمره را برای صدور حکم درباره آن باید به دیوان دادگستری بین‌الملل واگذار کرد (دپوئی، ۱۳۶۹: ۱۳/۳۱۸). اما این پیشنهاد به جهت مغایرت با مقررات منشور و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین نیاز به وجود توافق جهانی، رد می‌شود. بنابراین ایجاد یک دادگاه بین‌المللی از سوی شورا در مواقع حساس و اضطراری از لحاظ صلاحیت زمانی و مکانی کاملاً محدود می‌باشد.

۵-۳- توسعه جرم‌انگاری: اقدامات حقوقی جامع

تمامی کنوانسیون‌های ضد تروریسم، ضمن دارا بودن مبنای حقوقی مستحکم جهت اقدام علیه اعمال تروریستی، با ایجاد یک سیستم اجرایی موثر، زمینه اعمال مجازات را نسبت به مجرمان فراهم آورده‌اند. اما این مبنای حقوقی، نیازمند اقتداری بیشتر و قلمرو گسترده‌تر است تا اقدامات اثر بخشی در ابعاد گوناگون تروریسم انجام گیرد.

بنابراین، در راستای اصلاح ساختار سازمان ملل باید تعهدات را بر عهده سازمان واگذار نمود، تا بتوان به نحو مطلوب به اهداف مذکور در نظام بین‌المللی نائل آمد. نخستین مسأله اینکه سازمان ملل باید دولت‌ها را در اجرای موثر اسناد حقوقی مساعدت کند. به تعبیر دیگر،

وجود اعتلای مشارکت دولت‌ها در اسناد موجود، ضد تروریستی است؛ چرا که بسیاری از اسناد موجود، تاکنون جنبه بین‌المللی پیدا نکرده‌اند. لذا از این حیث، باید اسناد موجود پیوسته تحت نظارت قرار گرفته و درباره آنها گزارش ارائه شود. به علاوه در رابطه با مقرراتی که دولت‌ها هنوز ضرورتی را در الحاق به آنها احساس نکرده‌اند، برپایی برنامه‌های بین‌المللی آموزش و مساعدت جهت ترغیب مشارکت دولت‌ها الزامی بنظر می‌رسد. همچنین دولت‌های عضو باید مکلف شوند که مقررات هر سند را به صورت ادواری و مشکلات ناشی از آن را که مانع از پذیرش گسترده‌تر می‌شود بررسی نمایند. دومین مسأله بحث بقای سازمان ملل بعنوان مرجعی عام جهت مقابله با تروریسم است. موید این امر، بیانیه پایانی کنفرانس بین‌المللی مبارزه با تروریسم در ریاض (۸ فوریه ۲۰۰۵) بوده که بر ضرورت در نظر گرفتن سازمان ملل به عنوان جایگاه اصلی تحکیم همکاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، تأکید داشت. البته مجمع عمومی، اقدام جمعی علیه اصحاب تروریسم را طی قطعنامه ۵۰/۵۳ دسامبر ۱۹۹۵ مورد شناسایی قرار داد. ضمیمه قطعنامه مذکور، اعلامیه‌ای راجع به تشکیل اعلامیه ۱۹۹۴ که در همین خصوص بود مجدداً آن را مورد تأیید قرار داد. این اعلامیه، اهمیت همکاری موثر میان دولت‌ها را به نحوی که افراد شرکت کننده در اعمال تروریستی محاکمه شوند، مدنظر قرار داد. با وجود این، باید پذیرفت که گسترش ملاحظات سیاسی مشترک در قبال تروریسم از سوی مجمع عمومی، ضرورتاً تکلیفی بسیار مهم و پیچیده می‌باشد. بحث دیگر، توسعه مقررات بین‌المللی سرکوب تروریسم است که توجهی به آنها در جرم‌انگاری تروریسم نشده است، چرا که با گسترش اعمال تروریستی برخی از تحقیقات خطیر از سوی سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های احتمالی یا مباحث مهیای قانون‌گذاری نوین بین‌المللی از جمله بمب‌گذاری‌های تروریستی، قاچاق تسلیحات، پولشویی، بکارگیری فناوری نوین کسب اطلاعات جهت اهداف تروریستی و غیره انجام شد. مضاف بر اینکه سازمان ملل باید جهت ترغیب دولت‌ها برای سیاست‌گذاری جامع کیفری مقابله با تروریسم در سطح بین‌المللی اقداماتی را به انجام رساند. از این جهت مقرر می‌شود که در پرتو اعلامیه راجع به عملیات امحای تروریسم و اعلامیه‌های لیما و پاریس، این امر فراهم گردید (پطروس غالی، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۳۲).

البته هدف از طرح اصلاح نظام حقوقی و ساختار سازمان ملل متحد، نزدیک شدن این سازمان به ضرورت‌ها و نیازهای نظام امنیت دسته جمعی است. چرا که حوادث و وقایع تروریستی موجود در جهان خصوصاً حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای سیاسی و حقوقی آن، ضرورت اصلاحات را بیش از پیش مطرح کرد. بنابراین، در این طرح باید مبارزه با یکجانبه‌گرایی و تشویق به چند جانبه‌گرایی، تقویت نقش حفظ صلح سازمان ملل، ارتقای حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در تمامی ابعاد، تقویت دیوان‌های بین‌المللی دادگستری و کیفری،

تعریف تروریسم و درک علل بنیادین آن و توسعه یک رهیافت جامع نگر برای مبارزه با تروریسم نیز مورد اهتمام اصلاح کنندگان قرار گیرد. در این میان، اشاره می‌شود که در گذشته پایه‌ای برای مبارزه با تروریسم از حیث قانونی بنیان نهاده شد، اما اکنون ضرورت حکم می‌کند که اقدامات منسجم صورت گیرد. چرا که آینده نیازمند ملاحظات جهانی از منظر تقویت و ارتقای چارچوب حقوقی جامع‌نگر جهت مقابله با تروریسم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تروریسم یکی از معضلات بسیار مهم و چالش بر انگیز دنیای امروز است که موجب جریحه‌دار شدن وجدان انسانی، اخلاق، احساسات فردی و عمومی می‌شود. آنچه در این میان در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، اتخاذ سیاست کیفری اصولی در مواجهه با این پدیده ضد بشری است. از این حیث، کنترل اعمال تروریستی به جهت فقدان شناخت کافی از آن از لحاظ ماهیت و همچنین نتایج ناشی از عدم ارائه تعریفی حقوقی و مورد پذیرش جامعه بین‌الملل، دشوار بنظر می‌رسد. بنابراین، لازم است اولاً دولت‌ها با جهت موثر در پیشگیری و مبارزه با تروریسم موثر در قوانینی داخلی خود تدابیر جدید را اتخاذ نمایند، ثانیاً مقابله ثمر بخش با تروریسم بدون تنظیم زیر بنای بین‌المللی قانونمند آن و اجتناب از «سیاست استاندارد دوگانه» متصور نیست. برای این مورد، پیشنهاد می‌گردد که مجموعه قوانین ویژه برای واکنش دولت‌ها در این زمینه تهیه و تنظیم و به پارلمان دولت‌ها ارائه شود که قوانین خود را در مورد مبارزه با تروریسم، جنایات فرامرزی و جرایم و جنایات کیفری مرتبط بصورت یکسان در آورند. مطابق تحلیل‌های ارائه شده، هنوز درک واحد جهانی از تروریسم وجود نداشته و همین امر سبب شده که تا کنون هیچ سیاستی واحد برای مبارزه با آن اتخاذ نشود. در نتیجه اقدامات ضد تروریستی محکوم به شکست و بعضاً به دلیل دوگانه نگری نسبت به تروریسم، خود جزء اقدامات تروریستی انگاشته می‌شود. بنابراین، لزوم طراحی و تدوین قانون نمونه و استاندارد در این خصوص ضرورت مبرم یافته و حقوق بین‌الملل در این عرصه موظف است مقررات جامع و شفاف را تدوین و در عرصه بین‌المللی تصویب نماید. اما این امر محتاج تشکیل و تقویت ارگان‌های بین‌المللی است. البته ذکر این نکته حائز اهمیت بوده که انجام اقدامات مذکور به تنهایی موجب جلوگیری و مبارزه با رشد و توسعه روز افزون اعمال تروریستی نخواهد بود، بلکه پیوستن دولت‌ها به مقررات بین‌المللی و انعکاس آنها در قوانین داخلی از اقدامات ضروری است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. آزمایش، علی، (۱۳۸۰)، «تروریسم بین‌المللی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال اول، شماره ۲.
۲. امین زاده، الهام، (۱۳۷۵)، «اساسی منشور سازمان ملل متحد در مورد انجام و حفظ صلح»، ترجمه سید فضل الله موسوی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۴.
۳. بشیری، قاسم، (۱۳۸۱)، «تروریسم بین‌المللی و تأثیر آن بر امنیت ملی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، ماهنامه دادرسی، سال هفتم، شماره ۴۰.
۴. بیلس، جان، (۱۳۷۸)، «امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد»، ترجمه سید حسین محمدی نجم، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۵. پطروس غالی، پطروس، (۱۳۸۰)، «سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی»، ترجمه سید قاسم زمانی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال اول، شماره ۲.
۶. توحیدی، احمد رضا، (۱۳۸۰)، «حق صلح و حق محیط زیست در پرتو حقوق همبستگی و حقوق بین‌الملل»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، دانشگاه مفید قم، اردیبهشت ماه.
۷. توحیدی فرد، محمد، (۱۳۸۱)، «ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد»، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۸. توحیدی فرد، محمد، (۱۳۸۲)، «حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از منظر حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله مدرس علوم انسانی (حقوق)، دوره هفتم، شماره چهارم (پیاپی ۳۱).
۹. جانستون، ایان، (۱۳۸۵)، «دفاع (ضرورت) در گفتمان حقوقی بین‌المللی: مداخله بشر دوستانه و مبارزه با تروریسم»، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی، شماره ۳۵.
۱۰. جلالی، محمود، (۱۳۸۴)، «تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، نامه مفید، سال یازدهم، شماره ۵۸.
۱۱. جلالی، محمود، (۱۳۸۵)، «مشروعیت استفاده از زور در عراق از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، نامه مفید، سال دوازدهم، شماره ۵۲.
۱۰. دپوئی، پی یر ماری، (۱۳۶۹)، «ملاحظات پیرامون جرم بین‌المللی دولت»، ترجمه و تلخیص علی حسین نجفی ابرنآبادی، مجله حقوقی، شماره ۱۳.
۱۲. دویچ، کارل و دیگران (۱۳۷۵)، «نظریه های روابط بین‌الملل»، ترجمه مرتضی کلانتریان، موسسه ماجد، چاپ اول.
۱۳. دیهیم، علیرضا، (۱۳۸۰)، «نگاه اجمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات و توسعه قضائی قوه قضائیه، ۵ و ۶ دیماه.
۱۴. دیهیم، علیرضا، (۱۳۸۴)، «در آمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دهم، پائیز .
۱۵. «دائرة المعارف لاروس»، (۱۹۶۴)، جلد ۱۰، پاریس .
۱۶. ره پیک، سیامک، (۱۳۸۰)، «تحلیل تروریسم در نسبت مفهومی امنیت و منافع ملی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات و توسعه قضائی قوه قضائیه، ۵ و ۶ دیماه.
۱۷. زر نشان، شهرام، (۱۳۸۶)، «شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم»، مجله حقوقی، شماره ۳۶.
۱۸. ساعد، نادر، (۱۳۸۴)، «تأملی بر اصل رضائتی بودن پذیرش معاهدات در آیین تحولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، مجله حقوقی شماره ۳۲.

۱۹. سیمبر، رضا (۱۳۸۰)، «*تروریسم در روابط بین‌الملل: چالش‌ها و امیدها*»، مجله راهبرد، شماره ۲۱.
۲۰. سیمبر، رضا، (۱۳۸۵)، «*چالش‌ها و ابهام‌ها، تطبیق تروریسم در دیدگاه پاره ای بازیگران موثر بین‌المللی*»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹.
۲۱. شایگان، فریده، (۱۳۸۰)، «*شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی*»، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۲. شریف، محمد، (۱۳۸۲)، «*بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت*»، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
۲۳. صادقی حقیقی، دیدخت، (۱۳۸۳)، «*نهیضت‌های رهایی بخش ملی و تروریسم بین‌الملل از دید حقوق بین‌الملل*»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۲۰۶-۲۰۵.
۲۴. ضیایی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، «*تحلیل قطعنامه‌های اخیر شورای امنیت در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی*»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه، ۵ و ۶ دیماه.
۲۵. طبیبی فرد، امیر حسین، (۱۳۸۴)، «*مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی*»، مجله حقوقی، شماره ۳۲.
۲۶. عباسی، اصغر، (۱۳۸۶)، «*بررسی و نقش فتف در زمینه مبارزه با پول شویی*»، علوم جنایی، شماره ۲.
۲۷. عبداللهی، محسن، (۱۳۸۱)، «*پیامد حوادث ۱۱ سپتامبر بر مبارزه با تروریسم*»، مجله اطلاع‌رسانی حقوقی (معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری)، سال اول، شماره ۳.
۲۸. عبداللهی، محسن، (۱۳۸۴)، «*آیا تروریسم جنایت بین‌المللی است؟*»، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر، انتشارات معاونت پژوهشی، تدوین و تنفیج قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول.
۲۹. عبداللهی، محسن، (۱۳۸۴)، «*مفهوم تروریسم بین‌المللی و تعریف آن در جامعه بین‌المللی*»، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر، انتشارات معاونت پژوهشی، تدوین و تنفیج قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول.
۳۰. عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، «*نظریه‌های امنیت*»، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول، تهران.
۳۱. فلاحیان، همایون، (۱۳۸۵)، «*پیامدهای الحاق جمهوری اسلامی ایران به دیوان بین‌المللی کیفری از بعد جنایات مندرج در اساسنامه دیوان*»، مجله حقوقی، شماره ۳۵.
۳۲. فلسفی، هدایت‌اله و بیگ زاده، ابراهیم، (۷۳-۱۳۷۲)، «*ایالات متحده آمریکا، فرانسه و بریتانیای ضد لیبی*»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴-۱۳.
۳۳. فونتائل، زاگ، (۱۳۷۳)، «*توسعه عاری از جنگ افزار*»، پیام یونسکو (زمان خلع سلاح)، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸۱.
۳۴. قربان نیا، ناصر، (۱۳۷۳)، «*مواجهه با تروریسم: رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی*»، نامه مفید (حقوق)، سال دهم، شماره ۴۳.
۳۵. کاسسه، آنتونیو، (۱۳۸۰)، «*حمله تروریستی به مرکز تجارت جهانی و برهم خوردن برخی مقوله‌های تعیین کننده حقوق بین‌الملل*»، ترجمه زهرا کسمتی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۶-۵.
۳۶. کاظمی، علیرضا، (۱۳۷۹)، «*لاکربی: بررسی ابعاد حقوقی دادگاه لاکربی*»، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۴.
۳۷. کرم زاده، سیامک، (۱۳۸۱)، «*کنوانسیون‌های ضد تروریسم و مسأله صلاحیت دولت‌ها در تعقیب و مجازات متهمان به ارتکاب اعمال تروریستی*»، نامه مفید، سال هشتم، شماره ۳۳.
۳۸. کرم زاده، سیامک، (۱۳۸۲)، «*تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل*»، مجله مدرس علوم انسانی (حقوق)، دوره هفتم، شماره اول، پیاپی ۲۸.
۳۹. کدخدایی، عباسعلی، (۱۳۸۱)، «*حوادث ۱۱ سپتامبر و رویکرد نوین آمریکا به نظریه جنگ عادلانه*»، نامه مفید (حقوق)، سال هشتم، شماره ۳۳.

۴۰. کدخدایی، عباسعلی و زرنشان، شهرام، (۱۳۸۶)، «امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱.
۴۱. کیتی شیپزری، کریانگ ساک، (۱۳۸۲)، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، نشر سمت، چاپ اول.
۴۲. گلدوزیان ایرج و عباسی اصغر، (۱۳۸۶)، «جرم‌انگاری پول‌شویی و گستره آن در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴.
۴۳. مقتدر، هوشنگ، (۱۳۷۱)، «امنیت دسته جمعی در تئوری و عمل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ششم، شماره ۱.
۴۴. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۱)، «نگاهی به پرونده لاکربی از منظر حقوق جزای بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۲۷.
۴۵. ممتاز، جمشید، (۱۳۸۰)، «تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادیبخش»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه، ۵ و ۶ دیماه.
۴۶. نجفی اسفاد، مرتضی، (۱۳۸۰)، «بررسی اجمالی تروریسم در کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل هوایی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه ۵ و ۶ دیماه.
۴۷. نمایان، پیمان و طیبی، سبحان، (۱۳۸۵)، «دفاع مشروع از منظر حقوق بین‌الملل معاصر با تاکید بر مخاصمات مسلحانه عراق علیه ایران»، فصلنامه حقوقی پیام قانون، شماره ۲۸-۲۷.
۴۸. موسوی، فضل‌الله و حاتمی، مهدی، (۱۳۸۵)، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲.
۴۹. واعظی، حسن، (۱۳۸۰)، *تروریسم: ریشه‌یابی تروریسم و اهداف آمریکا از لشکرکشی به جهان اسلام*، انتشارات سروش، چاپ اول.
۵۰. هاشمی، کامران، (۱۳۷۹)، «کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تروریسم و موقعیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۴.
۵۱. یوس، سندوز، (۱۳۸۲)، «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها»، ترجمه حسن سواری، مجله حقوقی، شماره ۲۹.

ب- خارجی

- 1- Akehurst M. (1987), *A Modern Introduction to International law*, sixth Edition, Unwin Hyman Ltd ., London.
- 2- Amini G. M. (2003), *Weapons of Mass Destruction in the Middle Eas* , Center for Nonproliferation Studies , Feb 13.
- 3- Alexander Y. , Nanes(2001) , *Legislative Responses to Terrorism* , 1986 Publisher.
- 4- Alexander y ., et al .(2001) , *Super Terrorism : Biologicl and Nuclear* , New york , Transnational Publisher.
- 5- Barsotti R & Reprisals(1986) . *A The Current legal Regulation of the Use of Force* , Dordrecht :Martin Nijhoff publishers.
- 6- Brownline I. (1963), *International Law and the Use of Forc* , oxford: clarendon press.
- 7- Cassese A. (2001), *Terrorism is also Disrupting some Crucial legal Categoris of International law* , European journal of International law , No.12.
- 8- Carsten S.(2001), *Security Council Resolutions 1368 (2001) and 1373 (2001) : What They and What They Don't Say* , EjiL .Discussion forum , 29 october , (http :// www. Ejil . org).
- 9- Castel A .(1997) , *Transnational Organized Crime and Internatinal Security* , Institute of International Relations , The University of British Columbia , working Paper No . 19.
- 10- Dinstein Y ., War(1998) , *Aggression and Self- Defense* , Grotious Publications Iimited ,

- 11- freestone , D .(1994), *International Cooperation Against Terrorism and the Development of International Law Principle of Jurisdiction* , in Higgins , R. and flory , M ., (eds.) , *Terrorism and International law* , Routledge , London.
- 12- Garner B. A., (ed) , (2004) *Blacks Law Dictionary* , 8th edition , Thomson west.
- 13- Graefrath B. (1985), *Priority to Right to Peace* , on the 40 th Anniversary of the united Nations , GDR Committee for Human Right Bulletin , Vol 11 . No 2.
- 14- Grean N. A. M , (1987) *International Law* , 3 rd ed , pitman publishing , London.
- 15- Hoffman , B .(1994), *Responding to Terrorism Across the Technological Spectrum* , Terrorism and political Violence . Vol . 6 , Autumn, No . 3.
- 16- Haffman B . (1998) , *Inside Terrorism* , New York: Columbia university press .
- 17- Harry , h.& Almond . j.(2002), *"The Rejulation of International Terrorism"* , in .H H.,H an . Terrorism and political violence , oceana publicatjon inc .,London. April 2005-, Asil, *Terrorism"*
- 18- Jinks D. , *" Self Defense at an Age of 60 kelsen ,H .,The Law of the united nations: Acritical Analysis of its foundemental Problems* , new york , Fredrick A ,praeger ,1951.
- 19- kirgis f.L. (2001), *"Addendum : Security Council Adopts Resolution on Combating International Terrorism "* , Asil Insight , [http: // www.asil.org .linsights](http://www.asil.org.linsights).
- 20- lacquer w. (1999) , *The New Terrorism: fanaticism and the Arms of Mass Destruction* , New york oxford university press.
- 21- lauter pacht, H. (1966), *The Function of Law in the International Community*, Archon Books.
- 22- Norton J.J and shams H. (2002), *"Money Laundering Law and Terrorist Financing Post-Sep 11 Responses-Let us Step Back and Take a Deep Breath ?"*, The Internation Lawyer-A quarterly publication of the ABA/ section of International Law and praetice , spring , vol.36,NO.1.
- 23- perera R., Amirith (1997), *International Terrorism* , vikas publishing House , Delhi.
- 24- Randelzhofer A. (1995), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, oxford university press.
- 25- Robertj and heyer D. (2001), *Introduction to NBC Terrorism, Hazardous Materials specialist* , Red Bank , New gersey,([www,disasters.org](http://www.disasters.org)) octobr 15.
- 26- Ramph , Helmut .(1984) *"The Concepts of Peace and War "* , german year book of international Low , vol 7.
- 27- Reisman ,M.A(1973), *Humanitarian Intervention(in Humanitarian Intervention and the United Nations)*,R.B.Lillich cd.
- 28- Rosan E(2003). *Security Council Resolution 1373,The Counter Terrorism Committee, and the Fight Against Terrorism*, Ajil,9J.
- 29-saksena, K.P. (1974) *The United Nations and Collective Security*, D.K. Publishing Use,Delhi.
- 30-SehriJver N.j. (2001),*Responding to International Terrorism* ,Movingthe fornts of the InternationaL Law for Endoring Freedom ,NetherLands Internationd Law Reviw , VOL XLVIII. , Issue 3.
- 31-starkR. (1999), *Cyber Terrorism ,Rethinking New Technology*, Department of DeFenseand-Startegic studies..
- 32-Szetes , Tamas. (1987) *ReaL Emancipation and Ppeaceful Cooperation Aiming at a New Democratic World Order* , Bulletin if peace proposal ,No3.
- 33-Thomas ,Franck and Bert , Lick wood . (1974) *Perlimentary Thoughts an Internationl Convention on Terrorism* , A.J.I.L, Vol.68.